

معیشت آسیب دیده کارگران در سایه تورم

جهش بی سابقه قیمت‌ها و فرسایش قدرت خرید، سبد معیشت کارگران را به مرزهای نگران کننده رسانده و سیاست گذاران را با پرسشی جدی درباره شیوه حمایت از خانوارهای کارگری روبه‌رو کرده است



ستون پایداری تولید

عبدالوهاب سهیل آبادی، رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت ایران، در گفت‌وگو با آتی‌نو بر این باور است که نیروی کار ستون پایدار تولید و شریک حقیقی کارفرمایان است. او با تأکید بر اینکه نقش کارگران تنها اجرای عملیات تولید نیست، بلکه ایفای وظیفه‌ای حیاتی در تداوم حیات اقتصادی کشور است، می‌گوید: «اگر کارگران نباشند، دیگر کارخانه و تولیدی هم باقی نمی‌ماند؛ کارگران ضلع اصلی تولیدند.» سهیل آبادی توضیح می‌دهد که در سال‌هایی که در شورای عالی کار حضور داشته، تلاشش همواره دفاع از شأن، دستمزد و امنیت شغلی نیروی کار بوده است، زیرا اعتقاد دارد هرگونه اختلال در معیشت این قشر، مستقیماً به پیکره تولید ضربه می‌زند.

او با مرور تجربه سخت جنگ ۴۰ روزه اخیر، یادآور می‌شود که همانند دوران دفاع مقدس، این بار نیز کارگران در خط مقدم تاب‌آوری اقتصادی قرار داشتند. به گفته او، در روزهای جنگ تحمیلی بسیاری از کارگران حتی زیر موشک باران خطوط تولید را ترک نکردند و شماری از آنان به شهادت رسیدند؛ روحیه‌ای که امروز نیز تداوم دارد و سبب شده کشور با کمبودهای شدید مواجه نشود. سهیل آبادی معتقد است که همین پایداری کارگران، زیرساخت اصلی مقاومت اقتصادی در شرایط بحران است.

سهیل آبادی در ادامه به نشست‌های اخیر کارفرمایان و مسئولان دولتی اشاره می‌کند؛ از جمله جلسه‌ای با وزیر صنعت، معدن و تجارت با هدف بررسی راه‌های مؤثر قدرانی و حمایت از نیروی کار. او یکی از فوری‌ترین اقدامات را جلوگیری از اخراج و تعدیل نیرو معرفی می‌کند و هشدار می‌دهد که بیمه بیکاری، هرچند لازم، در هیچ حالت جایگزین دستمزد واقعی نیست و تعدیل می‌تواند زندگی یک کارگر و خانواده‌اش را با بحران جدی مواجه کند.

برای نشان دادن ظرفیت‌های جایگزین، او نمونه اصفهان را مثال می‌زند؛ جایی که یک شرکت تعاونی بزرگ با پیگیری‌های مستمر ایجاد شد و امکان فعالیت برای ۱۱ هزار کارگر را فراهم کرد. تاکنون ۴۵۰ نفر

مستقیماً در این تعاونی جذب شده‌اند و دولت نیز بخشی از پروژه‌های بازسازی را بدون مناقصه به این مجموعه سپرده است تا بخشی از بیکاری کارگران جبران شود. سهیل آبادی این تجربه را نمونه موفق‌ی از هم‌افزایی میان کارگران، کارفرمایان و دولت می‌داند که می‌تواند در سایر استان‌ها نیز الگو قرار گیرد.

رکود تورمی و همدلی بی سابقه

سهیل آبادی در بخش دوم گفت‌وگو تصویری شفاف از وضعیت ناپایدار اقتصاد صنعتی ترسیم می‌کند؛ وضعیتی که در آن رکود و تورم هم‌زمان بر تولید سایه انداخته و اکوسیستم کار و صنعت را با فشاری چندلایه مواجه کرده است. او تأکید می‌کند که امروز بسیاری از بخش‌های تولیدی در رکودی کامل به سر می‌برند و تنها برخی اقلام اساسی توانسته‌اند در بازار حرکت محدودی داشته باشند. در مقابل، تورم فراینده هزینه تأمین مواد اولیه، انرژی، حمل‌ونقل و سایر ملزومات تولید را چند برابر کرده و بنگاه‌ها را برای پرداخت دستمزدها، اقساط بانکی و هزینه‌های سربار در تنگنایی بی سابقه قرار داده است.

به گفته او، «بدبازاری»، یعنی ترکیب رکود فروش و جهش هزینه‌ها، مهم‌ترین چالش امروز صنعت است؛ چالشی که نه تنها سودآوری بلکه بقای بنگاه را تهدید می‌کند. بسیاری از واحدها با کاهش شدید فروش روبه‌رو شده‌اند و برخی قادر نیستند حتی یک سوم تعهدات مالی خود را پوشش دهند. سهیل آبادی ابراز امیدواری می‌کند که روند مذاکرات دیپلماتیک بتواند روزنه‌ای برای خروج از این رکود بگشاید؛ زیرا بدون کاهش تورم و بازگشت ثبات اقتصادی، هیچ برنامه‌ای برای رونق تولید قابل اجرا نخواهد بود.

او همچنین بر تعهد کارفرمایان نسبت به وظایف قانونی از جمله پرداخت هزینه‌های تأمین اجتماعی تأکید می‌کند و توضیح می‌دهد که این هزینه‌ها، با وجود ضرورت، در شرایط کاهش درآمد فشار سنگینی بر بنگاه‌ها وارد کرده است. بااین حال، سهیل آبادی معتقد است که جامعه کارفرمایی همچنان تلاش می‌کند با مدیریت هزینه‌ها، حفظ ظرفیت تولید و جلوگیری از

تعدیل نیرو، مسیر تاب‌آوری را ادامه دهد.

او بر همدلی شکل گرفته میان کارگران و کارفرمایان تأکید می‌کند؛ همدلی‌ای که به گفته وی در جلسات تعیین دستمزد نیز قابل مشاهده بوده و برای نخستین بار دو طرف با یک نگرش مشترک پای میز مذاکره نشسته‌اند. سهیل آبادی این همراهی را «بی سابقه در تاریخ روابط کار» می‌خواند و آن را تنها راه عبور از شرایط دشوار کنونی می‌داند؛ شرایطی که در آن حفظ اشتغال، تقویت بنگاه‌ها و حمایت از کارگران، سه محور اصلی بقا و بازسازی اقتصاد کشور است.

هم‌افزایی برای عبور از بحران

آرمان خالقی، فعال صنعتی و عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی، با مرور شرایط اقتصادی ماه‌های اخیر توضیح می‌دهد که بحث‌های مربوط به جبران کاهش قدرت خرید کارگران از اواخر سال گذشته آغاز شد؛ زمانی که حذف ارز ترجیحی و افزایش نرخ تورم، ضرورت تقویت معیشت کارگران را پررنگ‌تر کرد. او یادآور می‌شود که طرح‌هایی مانند افزایش ۶۰ درصدی دستمزد و ارائه کالایرک با هدف بازگرداندن قدرت خرید خانوارها به سطح سال ۱۴۰۴ مطرح شد و مجموعه‌ای از تدابیر برای تعدیل فشارهای قیمتی شکل گرفت.

خالقی ادامه می‌دهد که با وجود این برنامه‌ها، تک‌نرخی شدن ارز در ماه‌های پایانی سال اثرات فوری و قابل توجهی بر قیمت‌ها گذاشت و هنوز اقتصاد در حال هضم پیام‌های آن بود که جنگ آغاز شد؛ رخدادی که به گفته او تأثیرات خود را با تأخیر نشان می‌دهد و اگر تاکنون آثار مخرب آن محدود بوده، بخشی از آن به دلیل تاب‌آوری اقتصاد است. او در ارزیابی وضعیت کسب‌وکار می‌گوید در شرایط فعلی دولت توان کمتری برای حمایت از بنگاه‌ها دارد و واحدهای تولیدی برای حفظ پایداری با دشواری‌های متنوعی روبه‌رو هستند. خالقی همچنین به یکی از چالش‌های دیرینه اشاره می‌کند: افزایش بیکاره دستمزد که تنها بخشی از عقب‌ماندگی ناشی از تورم سال قبل را جبران می‌کند، اما در ماه‌های بعد دوباره تحت فشار تورم قرار می‌گیرد و عملاً کارگر را به نقطه شروع بازمی‌گرداند. دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت هشدار می‌دهد که سال جاری شرایط متفاوتی دارد و رشد هزینه‌ها، کمبود نقدینگی، دشواری تأمین مواد اولیه و انرژی، کمبود نیروی انسانی، به سمت کاهش شیف‌های کاری یا حتی توقف فعالیت سوق داده است؛ روندی که در نهایت به تعدیل نیرو و افزایش بیکاری منتهی خواهد شد.

مدیریت دستمزد و حفظ اشتغال

خالقی در ادامه با تأکید بر اینکه حداقل حقوق تنها باید پاسخگوی حداقل‌های معیشتی باشد، توضیح می‌دهد در شرایط فعلی تأمین همین رقم نیز برای برخی بنگاه‌ها به معنای افزایش احتمال بیکاری است. او می‌گوید دولت باید تا حد امکان مسیر فعالیت بنگاه‌ها را تسهیل کند و در کنار آن، جامعه کارگری و کارفرمایی نیز به همراهی و همکاری مضاعف نیاز دارد تا کشور بتواند از این دوره دشوار با هزینه اجتماعی کمتری عبور کند. او با اشاره به روند همیشگی افزایش دستمزد کارگران توضیح می‌دهد که معمولاً نرخ افزایش حقوق نیروی کار بیش از کارکنان اداری لحاظ می‌شود. اما امسال، به دلیل ترکیب رکود، تورم و محدودیت‌های ساختاری، بسیاری از واحدهای تولیدی نه توان افزایش هزینه‌ها دارند و نه می‌خواهند به سمت تعدیل نیرو بروند؛ زیرا هر دو مسیر به کاهش ظرفیت تولید و تعمیق رکود منجر می‌شود. خالقی در همین چارچوب، پیشنهادی بحث‌برانگیز اما به گفته او «عملی در شرایط استثنایی» مطرح می‌کند: اگر جامعه کارگری بپذیرد، برای چند ماه افزایش حقوق سال جدید اعمال نشود تا بنگاه‌ها بتوانند اشتغال موجود را حفظ کنند و از تعطیلی یا تعدیل گسترده جلوگیری شود. او تأکید می‌کند این پیشنهاد نیازمند بررسی و تأیید دولت و مجلس است و بدون سازوکار قانونی امکان اجرا ندارد، اما نمونه‌هایی از این تجربه در کشورهای دیگر نیز وجود دارد و ابداً بدعت تازه‌ای محسوب نمی‌شود. این فعال صنعتی تأکید می‌کند که هدف اصلی چنین پیشنهادی ایجاد یک «دوره تنفسی» برای بنگاه‌ها است تا در میانه شرایط جنگ، نوسانات ارزی و تورم مزمن، چرخه تولید از کار نیفتد. او معتقد است در چنین موقعیتی همکاری کارگران و کارفرمایان نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی برای حفظ اشتغال، کاهش آسیب‌های اجتماعی و نگه‌داشتن اقتصاد بر ریل تولید است.



سید حجت شفا‌ئی

رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان طلا

نفت گران، طلای ارزان می‌سازد

بازار طلا این روزها در مسیری نزولی حرکت می‌کند؛ مسیری که بیش از آن که تابع الگوهای سنتی این بازار باشد، بازتاب مستقیم تحولات ژئوپلیتیکی اخیر است. حمله ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به ایران نه تنها فضای امنیتی منطقه را دگرگون کرد، بلکه بسیاری از بازارهای اقتصادی را در ایران و سطح بین‌الملل تحت تأثیر قرار داد. در این میان، اونس جهانی طلا به واسطه جهش بهای نفت و بروز بحران عرضه انرژی – ناشی از کاهش صادرات نفت از خلیج فارس و نگرانی نسبت به امنیت تنگه هرمز – با افت قابل توجهی مواجه شد؛ افتی که در ظاهر خلاف انتظارات رایج درباره رفتار طلا در زمان بحران است.

در دوره‌هایی که قیمت نفت افزایش می‌یابد، نیاز کشورها به نقدینگی فوری برای تأمین انرژی بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی، طلا از نقش «پناهگاه امن» فاصله می‌گیرد و به ابزاری برای آزادسازی منابع مالی بدل می‌شود. همین نیاز، بازیگران بازارهای مالی را به سمت فروش دارایی‌های طلایی سوق داد و کشورها نیز به دلیل اولویت‌بخشی به ذخیره‌سازی انرژی، تمایلی به سرمایه‌گذاری جدید در این حوزه نداشتند. افزایش عرضه ناشی از فروش ذخایر قبلی، روند نزولی قیمت را تشدید کرد و اونس جهانی طلا در بازارهای مالی با کاهش چشمگیر روبه‌رو شد.

بازار داخلی ایران نیز از این موج جهانی مصون نماند. کاهش نرخ ارز در بازار آزاد، هم‌زمان با افت اونس جهانی، موجب شد قیمت طلا در داخل به‌طور محسوس کاهش یابد. در دوره جنگ، طلا از اولویت نخست خانوارها برای سرمایه‌گذاری خارج می‌شود و برخی حتی برای تأمین نقدینگی لازم، به فروش دارایی‌های طلایی خود روی می‌آورند. این رفتارها، همراه با کاهش تقاضای سرمایه‌ای، زمینه افت بیشتر قیمت را فراهم ساخت و بازار طلا را در موقعیتی متفاوت از دوره‌های عادی قرار داد.

مقایسه این تحولات با جنگ ۱۲ روزه گذشته، نشان می‌دهد که دامنه اثرگذاری جنگ اخیر بسیار گسترده‌تر بوده است. در آن دوره، منطقه و به‌ویژه تنگه هرمز درگیر بحران مستقیم نبود، اما جنگ رمضان به‌طور گسترده بر بازارهای مالی و انرژی جهان سایه انداخت. شاخص اونس جهانی که پیش از جنگ در محدوده ۵۴۵۰ تا ۵۵۰۰ دلار قرار داشت، در پی جهش بهای نفت و تأخیر در تأمین نیاز انرژی کشورها تا حوالی ۴۵۰۰ دلار عقب نشست؛ سقوطی نزدیک به هزار دلار که گویای ابعاد تحول در بازارهای جهانی است. چشم‌انداز آینده بازار طلا وابسته به ثبات شاخص‌های کلان اقتصاد جهانی و مسیر قیمت انرژی است. تجربه ماه‌های منتهی به جنگ رمضان نشان داد که افزایش سرمایه‌گذاری در طلا می‌تواند قیمت‌ها را به‌سرعت بالا ببرد، اما همان سرمایه‌ها در زمان بحران، مسیر خروج را انتخاب می‌کنند. توصیه امروز نیز همان است: ترسیم یک سبد سرمایه‌گذاری متنوع، تدریجی و مبتنی بر مدیریت ریسک. اقتصاد به‌روشنی تأیید می‌کند که ورود پلکانی به بازارهای مالی، بهترین سپر در برابر تلاطم‌های ژئوپلیتیکی است.

“

هم‌زمانی

جنگ،

نوسانات

ارزی و کمبود

نقدینگی،

چرخه تولید را

دچار اختلال

کرده و کارگران

را در برابر

محدودیت‌های

شدید

معیشتی

و کاهش

فرصت‌های

شغلی قرار

داده است.